



یک تفکر مشترک

اما احمد وحیدی، پس از اینکه می‌گوید باید الگویی خاص از احزاب ارائه شود که نه شرقی و نه غربی باشد، در ادامه جمله‌هایی را درباره احزاب به کار می‌برد که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در آستانه انتخابات مجلس دوازدهم قرار داریم، سمت‌وسوی این جمله‌ها به سمت احزاب اصلاح‌طلبی باشد که یا قصد فعالیت در انتخابات این دوره مجلس را ندارند و بنابر هر دلیلی سکوت انتخاباتی را در این دوره انتخاب کرده‌اند. جمله‌هایی که به نوعی رنگ و بوی تهدید از آن به مشام می‌رسد. وزیر کشور می‌گوید: «در بحث مشارکت اگر حزبی آمد و به ترتیبی موضع منفی یا خنثی گرفت، باید بداند خود به خود به کنار می‌رود. از همان ابتدای وزارت، بنده خود را حامی احزاب می‌دانستم و وزارت کشور وظیفه دارد همه احزاب را تحویل گرفته و حمایت کند.»

نکته مهم در ارتباط با این جمله ارائه‌شده از سمت وزیر کشور اینجاست که پیش از این هم چنین ادبیات تهدیدآمیزی درباره احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلبی که سیاست‌های انتخاباتی جاری را نمی‌پسندند، از سوی برخی دیگر از چهره‌های مطرح اصول‌گرا شنیده شده بود؛ نکته‌ای که نشان می‌دهد این موضوع به احتمال زیاد تبدیل به تفکر مشترکی در بدنه اصول‌گرایی شده است. تیرماه سال جاری هم محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين گفته بود: «من چپه اصلاحات را نصیحت می‌کنم که به صندوق رأی بازگردند. حتی برخی از سران این چپه به این جمع‌بندی هم رسیدند که تنها راه حیات در عرصه سیاسی، صندوق رأی است... خارجی‌های گردن کلفت به جایی نرسیدند و این‌ها هم در این صورت رقیب خود را نظام تعریف کرده و خارج از نظام خواهند بود. در این صورت دیگر باید جوانبگویی هسته سخت نظام باشند. اما اینکه فلان شخص را قبول نداشته باشند، اشکال ندارد. داخل نظام به رقابت و ارائه برنامه بپردازند، اما اینکه دنبال تحریم باشند خروج از نظام است... هیچ حکومتی با دشمنان خود رودرپایستی ندارد. اصلاح‌طلبان اگر می‌خواهند داخل نظام باشند، باید در انتخابات شرکت کنند.»

این موضوع چندی پیش از زبان منوچهر متکی، سخنگوی شورای وحدت اصول‌گرایان هم بیان شده بود. او ۲۲ آذرماه در نشست هم‌اندیشی مشارکت در انتخابات پیش‌رو گفته بود: «احزاب مجوز می‌گیرند که در فصل انتخابات فعالیت کنند و مردم را به مشارکت ترغیب کنند، مجوز نمی‌گیرند که انتخابات را تحریم و این بازی را به نام چانه‌زنی دنبال کنند.» چند روز بعد هم مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس انجام داد و به‌نوعی سخنرانی خود را تکمیل کرد. او در این مصاحبه گفت: «اصلاح‌طلب‌ها در مظان یک امتحان جدی در این دوره از انتخابات هستند... یک حزب مجوز فعالیت نمی‌گیرد که بعد از آن، انتخابات را تحریم کند، یا بگوید که در انتخابات شرکت نمی‌کنم؛ این یک نقض غرض است و با فلسفه تشکیل یک حزب سیاسی، منافات دارد. در خصوص مجوز فعالیت اینگونه احزاب بایستی تجدیدنظر شود زیرا احزاب باید در ترغیب مردم برای حضور در انتخابات نقش داشته باشند.»

رنگ گسترش تک‌صدایی

همانطور که اشاره شد، آنچه وزیر کشور در همایش خانه احزاب بیان کرد را می‌توان تکرار تفکری دانست که طی چند ماه اخیر درباره آن از سوی چهره‌های شاخص جریان اصول‌گرا سخن به میان آمده است اما از آنجا که احمد وحیدی، صندلی وزارت کشور دولت سیزدهم را در اختیار دارد و وزارت‌خانه‌ای در اختیار اوست که به‌عنوان متولی صدور مجوز فعالیت برای احزاب مطرح است، بیان این جمله‌ها از سوی او می‌تواند رنگ خطری باشد که ظاهراً تفکر حاکم قصد دارد یکدست‌سازی را از ارکان قدرت فراتر برده، خالص‌سازی را به بدنه سیاست‌کشانده و مدلی جدید را از حزب در ایران ارائه کند؛ مدلی که می‌تواند نگرانی‌ها را درباره آینده فعالیت سیاسی و در رأس آن دموکراسی، بیشتر از قبل کند.

ظاهر آتفکر حاکم قصد دارد یکدست‌سازی را از ارکان قدرت فراتر برده، خالص‌سازی را به بدنه سیاست کشانده و مدلی جدید را از حزب در ایران ارائه کند؛ مدلی که می‌تواند نگرانی‌ها را درباره آینده فعالیت سیاسی و در رأس آن دموکراسی، بیشتر از قبل کند

رحیم ابوالحسنی، عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه تهران در گفت‌وگویی که با هم‌میهن انجام داد، طرح مباحثی پیرامون تشکیل الگویی برای احزاب در جمهوری اسلامی خارج از الگوی شرقی و غربی را تلاشی دانست که برخی از افراد برای توده‌وار کردن جامعه انجام می‌دهند. او می‌گوید این تلاش‌ها الگوپردازی از مدل‌هایی است که در ایران قابلیت پیاده شدن ندارد و جامعه ایران به علت ویژگی‌هایی که دارد، هیچ‌گاه نمی‌تواند تبدیل به جامعه‌ای توده‌وار شود.

طی چند وقت اخیر مسائلی درباره احزاب عنوان شده و اینطور گفته شده که «تشکیل حزب برای قدرت در ادبیات سیاسی اسلام وجود ندارد». به‌عنوان اولین سوال؛ اصولاً ماهیت تاسیس و وجود احزاب چیست؟ آیا می‌توان این گزاره را پذیرفت که تشکیل حزب برای قدرت در سیاست جایی ندارد؟

درباره حزب یک واژه در قرآن داریم که به معنی گروه و دسته است؛ چنانچه در آیه ۲۲ سوره روم آمده است: «کلّ حزبٍ بما لَدَیْهِمْ قَرْحٌ». در جامعه سنتی که قرآن در آن نازل شده، مبانی تشکیل گروه‌ها یا قبیله و خون و یا خاک بود، بعد هم که در ایدئولوژی دینی تبدیل به دین و اعتقادات شد. در دنیای مدرن، حزب زمانی تاسیس شد که باور دموکراسی با حکومت و قدرت مردم شکل گرفت و مجلس را تشکیل دادند. وقتی در مجلس به قدرت رسیدند، این سوال ایجاد شد که برای حفظ قدرت باید چه کرد؟ لذا گروه‌های انتخاباتی که داشتند با همراهی فراکسیونی‌هایی که در مجلس وجود داشت، اینها را در بیرون تبدیل به حزب کردند. یعنی فلسفه وجودی حزب حفظ قدرت و تداوم سلطه در حاکمیت بود. اینها درون‌زا بودند و گروهی که به قدرت رسیدند و دارای باور مشترک بودند، آمدند و برای تداوم سلطه، حزب را تشکیل دادند. لذا حزب در حقیقت مرکزی بود که موجب هم‌افزایی قدرت افراد می‌شد و افراد را براساس یک ایدئولوژی، گفت‌وگو و جهان‌بینی متشکل و سازمان‌دهی می‌کرد و بر همین اساس برای به‌دست آوردن قدرت و حفظ آن سیاست‌گذاری و طراحی می‌کردند. در کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه که به تبع کشورهای غربی، پس از انقلاب یا استقلال نوعی نظام دموکراسی را شکل دادند، حزب را هم به‌عنوان مدول و الگویی برای کنترل قدرت وارد کردند. در کشوری مثل هند ما شاهد کپی‌برداری از انگلیس بودیم. در کشور ما وقتی انقلاب مشروطه به‌عنوان تبعی از شکل نظام سیاسی غرب رخ داد، حزب شکل گرفت. در حقیقت حزب یک ساختار سازمان‌دهی جدید نیروهای سیاسی است که قبلاً توسط تعلقات قومی و قبیله‌ای شکل می‌گرفت اما این بار آمد و براساس ایدئولوژی، هویت و گفت‌وگو سیاسی شکل گرفت. به‌عبارتی فلسفه تشکیل آن هیچ فرقی نکرد، بلکه مبانی تشکیل آن تغییر کرد و برچسب آن عوض شد. در جامعه قبیله‌ای هم مبارزه و کسب قدرت و غلبه بر گروه‌های قدرت رقیب بود، در این نظام هم فلسفه همینطور است زیرا انسان‌ها در حال مبارزه هستند، برای مبارزه نیاز به قدرت دارند و قدرت هم از جمع حاصل می‌شود و این جمع نیاز به عامل پیوند دارد که این خلدون عامل این پیوند را خاک، خون یا ولا (قرارداد) می‌داند. حزب در نظام مدرن هم براساس قرارداد است. پس فلسفه تشکیل حزب چیزی جز تشکیل و اعمال قدرت نیست و این موضوع در نظام سنتی و مدرن فرقی ندارد، منتهی در نظام مدرن برای آن ایدئولوژی تعریف شده و سازمان‌دهی صورت گرفته است. چون مبنا براساس حاکمیت مردم و اصالت فرد است، بنابراین آمدند و براساس ساختار رقابت انتخاباتی، گفتند هر حزبی در انتخابات پیروز شد، قدرت را در دست بگیرد؛ به‌عبارت دیگر به‌جای جنگ و شمشیر، سازوکار مبارزه تغییر کرده و رقابت انتخاباتی جای آن را گرفته است. در ایران هم این موضوع از زمان مشروطه وجود داشت اما زمانی که

رضاخان قدرت را در سال ۱۳۰۴ در دست گرفت، شروع به سرکوب تمام گروه‌های اجتماعی صاحب قدرت کرد که در این راه هیچ فرقی بین قبایل، طوایف و احزاب سیاسی قائل

نگاه کارشناس

رحیم ابوالحسنی عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه تهران:

می‌خواهند جامعه را توده‌وار کنند اما شکست می‌خورند

نمود و جاده را صاف کرد. در سال ۱۳۲۰ با ورود خارجی‌ها این قدرت نابود شد و تا سال ۱۳۳۲ شاهد تشکیل حزب بودیم اما متأسفانه به علت نفوذ شوروی، با حمایت شوروی و ایدئولوژی مارکسیستی یک حزب برتری به نام «حزب توده» شکل گرفت که در نهایت این کشمکش بر سر قدرت ادامه داشت تا کودتای ۱۳۳۲ شکل گرفت و پس از آن دوباره تمام احزاب نابود شدند اما با این سیستم اداره کشور ممکن نبود. لذا در دهه ۴۰ شاه تصمیم گرفت یک نظام دوحزبی را شکل دهد که بتواند مبارزه و رقابت را درون احزاب نهادینه کند. در سال ۱۳۵۳ هم که دید این دو حزب برایش مشکل‌آفرین شدند، یک حزب تشکیل داد که خیالش راحت شود و خودش کارش را انجام دهد. در نظام مارکسیستی هم همه احزاب ممنوع هستند به جز حزب کمونیست. بنابراین فلسفه حزب مشخص است، منتهی احزاب برای اینکه بتوانند به قدرت برسند و قدرت را حفظ کنند، چند کار را انجام می‌دهند که برای مثال باید جامعه‌پذیری سیاسی انجام دهند. چون مردم رای می‌دهند، مردم به باوری رای خواهند داد که آن را قبول دارند. یا در انتخابات کاندیدا می‌دهند که در همین ارتباط هم نقش‌هایی دارند. در زمان تشکیل مجلس هم نقش پیدا می‌کنند. این کاری است که احزاب انجام می‌دهند. در نظام‌های اقتدارگرا، به میزانی که حرکت به سمت اقتدارگرایی صورت می‌گیرد، رقیب تحمل نمی‌شود. لذا حذف رقبای در دستور کار قرار می‌گیرد و شاخص‌ترین رقیب هم گروه‌های قدرت هستند که در نظام مدرن این گروه‌ها، احزاب سیاسی هستند. بنابراین گروه حاکمی که به قدرت می‌رسد، برای اینکه مشکل رقابت را حل کند و رقیب و مزاحم نداشته باشد، درصد حذف احزاب و گروه‌های نفوذ قوی برمی‌آید. فلسفه در نظام‌های اقتدارگرا همین است و در این مسیر یک راه وجود دارد که در نظام‌های مارکسیستی و سوسیالیستی دیده می‌شود که یک نظام حزبی اقتدارگرا را تشکیل می‌دهند و بقیه احزاب حذف می‌شوند. ما در همین ارتباط حزب بعث سوریه و حزب بعث عراق را داشتیم. اینکه می‌گویند احزاب نباید باشد باید دید چه مدلی را در ذهن دارند.

آیا می‌توان این گزاره را پذیرفت که اگر حزبی در موضوعی مانند انتخابات، موضع خنثی یا منفی بگیرد، این حزب تهدید به حذف شود؟

این دیگر حزب نیست، جامعه قشرهای متفاوتی مانند بازاربان، فرهنگیان، کارگرا، معلم‌ها... دارد که این قشرها مطالباتی دارند. این قشرها برای پیگیری مطالبات و مطالبات خودشان، گروه‌های نفوذمانند اتحادیه‌های کارگری را تشکیل می‌دهند. این گروه‌های منافع، می‌آیند و مطالبات را مطرح می‌کنند منتهی هرچند گروه منافع زیر پوشش یک حزب قرار می‌گیرند. حزب این منافع و مطالباتی که مطرح می‌شود را سازماندهی، جمع‌آوری و تأیید می‌کند و در ایام انتخابات آنها را مطرح می‌کند. بعد از انتخابات به مجلس می‌رود و برای این مطالبات لابی می‌کند. کار حزب این است که مطالباتی که توسط گروه‌های نفوذ مطرح می‌شود را سازماندهی کند. در کشور ما چون احزاب نابود شده و یا نابودشان کرده‌اند، خودشان تبدیل به گروه‌های نفوذ شده‌اند. از وقتی انتخابات در ایران با نظارت استصوابی صورت گرفت، در حقیقت احزاب را نابود کردند. لذا تلاش دارند جامعه را تبدیل به یک جامعه توده‌وار کنند، جامعه توده‌وار هم جامعه‌ای است که در آن گروه‌ها و احزاب وجود ندارند و در آن جامعه مدنی نابود می‌شود. یک ساختار حاکم وجود دارد که بقیه باید پیرو آن باشند. افرادی که چنین مسائلی را مطرح می‌کنند، به‌دنبال توده‌وار کردن جامعه هستند غافل از اینکه جامعه ایران هیچ‌وقت تبدیل به جامعه توده‌وار نخواهد شد و در نهایت طراحان این تئوری‌ها در پیاده‌سازی آن شکست خواهند خورد. جامعه ایران یک جامعه با تمدن و با فرهنگ است و هیچ‌وقت پیرو گروه حاکم نخواهد شد و طرح این مسائل باعث می‌شود که شکاف بین سیستم و مردم بیشتر شود. الگوهایی که برمی‌دارند در ایران پیاده‌شدنی نیست، ملت ایران سابقه تمدنی دارد و هوشیار است. این کارهایی که می‌کنند ناشی از عدم شناخت مردم است و خودشان را دچار مشکل می‌کنند.



سید مهدی طالقانی درگذشت

سید مهدی علایی طالقانی، فرزند آیت‌الله سید محمود طالقانی، پس از یک دوره بیماری ربوی-تنفسی، صبح دیروز در بیمارستان خاتم‌الانبیاء تهران دارفانی را وداع گفت. وی از مبارزان و زندانیان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود که در دهه اخیر، به بازنمایی و تبیین افکار و آراء پدر پرداخت. او متولد سال ۱۳۲۹ بود و با چهره‌های جناح‌های مختلف سیاسی روابط داشت اما موضع سیاسی مستقلی می‌گرفت و در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب هیچ سمت رسمی و دولتی نداشت. این درحالی بود که به‌خاطر محبوبیت فراوان آیت‌الله طالقانی می‌توانست با حضور در طیف‌های مختلف نظر مردم را جلب کند.



مدعی العموم به موضوع اتهام‌زنی علیه مجلس ورود کند

رئیس مجلس یازدهم در پاسخ به تذکر صباغیان نماینده مهریز مبنی بر اظهارات فردی در صدا و سیما در خصوص دریافت سکه از سوی یک نماینده برای انصراف از یک تحقیق و تفحص گفت: «مدعی العموم به موضوع اتهام‌زنی علیه مجلس ورود کند». روز گذشته، در جلسه علنی مجلس محمدرضا صباغیان بافتی یکی از نماینده‌ها در تذکر شفاهی خود خطاب به محمد باقر قالیباف گفت: «آقای که خود را در همه موارد پزشکی، هوافضا، دریا و خشکی خبر می‌داند و در همه موارد صحبت می‌کند به بهانه شفافیت که بنده نیز با آن موافق هستم و تمام اموال خود را کتاباً و رسماً اعلام کرده‌ام، اخیراً گفته است که نماینده‌ای برای پس گرفتن یک تحقیق و تفحص فلان عدد سکه گرفته است.» نماینده مهریز و بافتی و بهاباد و خاتم و ابرکه در مجلس ادامه داد: «ضمن اینکه احساس می‌کنم شورای نگهبان نیز در این مسئله زیر سوال رفته است و دادستان باید به این مسئله ورود پیدا کند یک بار برای همیشه این موضوع باید شفاف شود و هر روز مجلس مورد حمله قرار نگیرد.» وی در ادامه خطاب به رئیس مجلس گفت: «از جنبه‌ای خواهش می‌کنم از کبان مجلس دفاع کنید، در برنامه زنده صدا و سیما چنین اتهامی را به مجلس می‌زنند و سکوت مجلس به صلاح نیست. اگر کسی تخلف کرده اعلام شود و اگر تخلفی صورت نگرفته آن هم اعلام شود که اذهان مردم در این ایام خراب نشود.»

این نماینده مجلس یازدهم تأکید کرد: «ایشان به بهانه شفافیت این اظهارنظر را انجام داده، من خواهش می‌کنم در بافتی‌های خودشان از جلسات و به اصطلاح سخنرانی‌هایشان را به مردم اعلام کنند تا مردم بدانند حرف و عملشان یکی است و نگویند هر چه به من می‌دهند من می‌گیرم. بعضی وقت‌ها جمع این مبالغ از سکه گرفتن‌ها بیشتر می‌شود و جرم آن نیز بیشتر است: «واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند.»

پس از بیان این موضوع، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس یازدهم در پاسخ به این تذکر عنوان کرد: «به‌هر حال این موضوعات در این شرایط حساس با وجود قانون انتخابات که برای پیشگیری از چنین اتفاقاتی مسئولیت تعیین کرده و همین الان نیز در قوه قضائیه زحمت کشیده می‌شود.» رئیس مجلس تصریح کرد: «موضوعی که اشاره شد، در یک برنامه تلویزیونی این حرف زده شده و حتماً عزیزی که این حرف را زده مطلع است و بعد می‌گوید شورای نگهبان نیز آن فرد را تأیید کرده است. به نظر من دادستان باید به عنوان مدعی العموم حتماً این موضوع را پیگیری کند.» قالیباف در پایان گفت: «اگر چنین اتفاقی افتاده و فردی تخلفی کرده و سکه‌ای گرفته نه صلاحیت دارد که در این مجلس بنشیند و نه صلاحیت دارد که در مجلس بعدی باشد و حتماً باید تعیین تکلیف شود.»